

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۹۸۴۲۴



دانشکده تهران  
دانشکده علوم اجتماعی

پایان نامه

مقطع کارشناسی پژوهشگری

موضوع

فرهنگ توسعه در کسبه کرد



۱۳۸۷ / ۱۳ / ۱۷

استاد راهنما

دکتر مصطفی ازکیا

تاریخ ثبت: ۱۹ / ۱ / ۸۴

شماره ثبت: ۱۸۵

۱۰۵

نگارش:

سلیمان پاکسرشت

دی ماه ۱۳۷۴

۹۸۴۲۴

شماره: .....

جمهوری اسلامی ایران

تاریخ: .....

دانشگاه تهران

پیوست: .....

دانشکده علوم اجتماعی

بسمه تعالی

مدیر گروه آموزش ~~جامعه‌شناسی~~ <sup>دانشی</sup>

به پیوست یک جلد پایان‌نامه تحصیلی مربوط به نیمسال  
اول/دوم سال تحصیلی ۷۳-۷۴ که توسط خانم/آقای سلیمان پاک‌سروش  
تهیه و تنظیم گشته است، ارسال می‌گردد و اضافه می‌نماید که نمره پایان‌نامه  
تحصیلی دانشجوی مذکور <sup>م</sup> می‌باشد. خواهشمند است،  
دستور فرمایید مراتب را به اطلاع آموزش دانشکده برسانند.

استاد راهنما:



## فهرست مطالب

صفحه	پیشگفتار
۲ - ۲۰	بخش اول : طرح مسأله
۳	۱- مقدمه
۴	۲- چهارچوب نظری
۸	۳- مروری بر نظریات و ادبیات موضوع
۱۹	۴- ضرورت پژوهش
۲۰	۵- تعریف موضوع پژوهش
۲۰	۶- اهداف تحقیق
۲۱ - ۲۲	بخش دوم : فرهنگ و توسعه
۲۲	۱- تعریف فرهنگ و توسعه
۲۵	۲- نقش فرهنگ در توسعه
۲۸	۳- باورهای مناسب و نامناسب فرهنگی
۳۰	۴- نتایج توجه به نقش فرهنگ در توسعه
۳۳ - ۴۰	بخش سوم : کلیاتی در مورد کردستان
۳۴	۱- موقعیت جغرافیایی
۳۴	۲- پراکندگی جغرافیایی
۳۵	۳- ریشه و منشاء نژادی کرد
۳۷	۴- زبان کردی
۳۸	۵- شعب زبان کردی
۳۹	۶- دین و مذهب
۴۱ - ۵۰	بخش چهارم : فرضیات تحقیق
۴۲	۱- فرضیات تحقیق
۴۲	۲- تعاریف مفهومی و عملیاتی
۵۱ - ۵۷	بخش پنجم : روش تحقیق
۵۲	۱- روش تحقیق
۵۳	۲- آزمون درجه اعتبار یا روایی
۵۶	۳- آزمون قابلیت اعتماد یا پایایی داده‌ها
۵۸ - ۸۱	بخش ششم : داده‌پردازی
۵۸	۱- سیمای جامعه نمونه
۶۵	۲- یافته‌های تحقیق
۸۲ - ۸۵	خلاصه و نتیجه‌گیری
۸۶ - ۸۷	منابع و مأخذ
۸۸ - ۸۹	پرسشنامه (بیوست)

## فهرست جداول

- جدول ۱ امتیاز بندی ضرایب شاخص ترکیبی وضعیت اقتصادی-اجتماعی
- جدول ۲ توزیع میانگین نمرات کسبه کرد برای دو متغیر تقدیرگرایی و بیگانگی اجتماعی بر حسب وضعیت اقتصادی-اجتماعی
- جدول ۳ توزیع میانگین نمرات کسبه کرد برای دو متغیر نگرش نسبت به کار و دنیا گرایی بر حسب وضعیت اقتصادی-اجتماعی
- جدول ۴ توزیع جامعه نمونه کسبه کرد بر حسب گروههای سنی
- جدول ۵ توزیع جامعه نمونه کسبه کرد بر حسب خاستگاه شهری-روستایی
- جدول ۶ توزیع جامعه نمونه کسبه کرد بر حسب تحصیلات
- جدول ۷ توزیع جامعه نمونه کسبه کرد بر حسب تحصیلات همسر
- جدول ۸ توزیع جامعه نمونه کسبه کرد بر حسب درآمد ماهیانه خانوار
- جدول ۹ توزیع جامعه نمونه کسبه کرد بر حسب وضعیت اقتصادی اجتماعی
- جدول ۱۰ توزیع جامعه نمونه کسبه کرد بر حسب سابقه کار
- جدول ۱۱ توزیع جامعه نمونه کسبه کرد بر حسب میزان بیگانگی اجتماعی
- جدول ۱۲ توزیع جامعه نمونه کسبه کرد بر حسب میانگین بیگانگی اجتماعی و سن
- جدول ۱۳ توزیع جامعه نمونه کسبه کرد بر حسب بیگانگی اجتماعی و سن
- جدول ۱۴ توزیع جامعه نمونه کسبه کرد بر حسب میانگین بیگانگی اجتماعی و خاستگاه
- جدول ۱۵ توزیع جامعه نمونه کسبه کرد بر حسب بیگانگی اجتماعی و خاستگاه (شهری و روستایی)
- جدول ۱۶ توزیع جامعه نمونه کسبه کرد بر حسب میانگین بیگانگی اجتماعی و تحصیلات
- جدول ۱۷ توزیع جامعه نمونه کسبه کرد بر حسب بیگانگی اجتماعی و تحصیلات
- جدول ۱۸ توزیع جامعه نمونه کسبه کرد بر حسب میانگین بیگانگی اجتماعی و وضعیت اقتصادی-اجتماعی
- جدول ۱۹ توزیع جامعه نمونه کسبه کرد بر حسب بیگانگی اجتماعی و وضعیت اقتصادی-اجتماعی
- جدول ۲۰ توزیع جامعه نمونه کسبه کرد بر حسب میزان تقدیرگرایی
- جدول ۲۱ توزیع جامعه نمونه کسبه کرد بر حسب میانگین تقدیرگرایی و سن
- جدول ۲۲ توزیع جامعه نمونه کسبه کرد بر حسب تقدیرگرایی و سن
- جدول ۲۳ توزیع جامعه نمونه کسبه کرد بر حسب میانگین تقدیرگرایی و خاستگاه
- جدول ۲۴ توزیع جامعه نمونه کسبه کرد بر حسب تقدیرگرایی و خاستگاه (شهری-روستایی)
- جدول ۲۵ توزیع جامعه نمونه کسبه کرد بر حسب میانگین تقدیرگرایی و تحصیلات
- جدول ۲۶ توزیع جامعه نمونه کسبه کرد بر حسب تقدیرگرایی و تحصیلات
- جدول ۲۷ توزیع جامعه نمونه کسبه کرد بر حسب تقدیرگرایی و وضعیت اقتصادی-اجتماعی
- جدول ۲۸ توزیع جامعه نمونه کسبه کرد بر حسب تقدیرگرایی و وضعیت اقتصادی-اجتماعی
- جدول ۲۹ توزیع جامعه نمونه کسبه کرد بر حسب میزان دنیا گرایی
- جدول ۳۰ توزیع جامعه نمونه کسبه کرد بر حسب میانگین دنیا گرایی و سن
- جدول ۳۱ توزیع جامعه نمونه کسبه کرد بر حسب دنیا گرایی و سن
- جدول ۳۲ توزیع جامعه نمونه کسبه کرد بر حسب میانگین دنیا گرایی و خاستگاه
- جدول ۳۳ توزیع جامعه نمونه کسبه کرد بر حسب دنیا گرایی و خاستگاه (شهری-روستایی)
- جدول ۳۴ توزیع جامعه نمونه کسبه کرد بر حسب میانگین دنیا گرایی و تحصیلات

- جدول ۳۵ توزیع جامعه نمونه کسبه کرد بر حسب دنیا گرایی و تحصیلات
- جدول ۳۶ توزیع جامعه نمونه کسبه کرد بر حسب میانگین دنیا گرایی و وضعیت اقتصادی - اجتماعی
- جدول ۳۷ توزیع جامعه نمونه کسبه کرد بر حسب دنیا گرایی و وضعیت اقتصادی - اجتماعی
- جدول ۳۸ توزیع جامعه نمونه کسبه کرد بر حسب نگرش نسبت به کار
- جدول ۳۹ توزیع جامعه نمونه کسبه کرد بر حسب میانگین نگرش نسبت به کار و سن
- جدول ۴۰ توزیع جامعه نمونه کسبه کرد بر حسب نگرش نسبت به کار و سن
- جدول ۴۱ توزیع جامعه نمونه کسبه کرد بر حسب میانگین نگرش نسبت به کار و خاستگاه
- جدول ۴۲ توزیع جامعه نمونه کسبه کرد بر حسب نگرش نسبت به کار و خاستگاه (شهری - روستایی)
- جدول ۴۳ توزیع جامعه نمونه کسبه کرد بر حسب میانگین نگرش نسبت به کار و تحصیلات
- جدول ۴۴ توزیع جامعه نمونه کسبه کرد بر حسب نگرش نسبت به کار و تحصیلات
- جدول ۴۵ توزیع جامعه نمونه کسبه کرد بر حسب میانگین نگرش نسبت به کار و (S.E.S)
- جدول ۴۶ توزیع جامعه نمونه کسبه کرد بر حسب نگرش نسبت به کار و وضعیت اقتصادی - اجتماعی

## پیشگفتار

اکنون که در آستانهٔ قرن بیست و یکم هستیم، توسعه و پیشرفت بشری موضوع غالب مباحثات و نشستهای علمی و آکادمیک جهانی است. و در این میان کشورهای موسوم به جهان سوم، به عنوان وجه توسعه نیافتهٔ نظام جهانی، اذهان بسیاری را به خود مشغول داشته‌اند.

پارادوکس (اندیشه-ماده) این بار در قالبی جدید، و به شکل (فرهنگ-تکنولوژی) مطرح شده است. و به نظر می‌رسد، در دهه‌های اخیر این موازنه به نفع فرهنگ، اندکی دگرگون شده است. همهٔ کسانی که به نحوی در توسعهٔ بشر اندیشیده‌اند به نقش باورها و ارزشها و نگرشها در تمهید، تسهیل و تسریع توسعه اشاره کرده‌اند. تقسیم‌بندی دوگانهٔ فرهنگها تحت عنوان «فرهنگ توسعه یافتگی» و «فرهنگ توسعه نیافتگی» تحت تأثیر اندیشه‌های مکتب نوسازی حاکی از علاقه به جزمی‌اندیشی خاصی در نخستین مباحث این حوزه است، که اکنون جای خود را به نوعی نسبی‌اندیشی جامعه‌شناختی در باب تأثیر فرهنگ در توسعه داده است. و عقیده بر این است که این شرایط مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی است که باید با توجه به نقشی که در تبلور عناصر فرهنگی دارند به «مناسب» و «نامناسب» تقسیم‌بندی گردند. چنین فرهنگی لزوماً منسجم و یکدست نبوده، بلکه با خود عناصر مختلف، ناهمگون و گاهاً متضادی دارد.

این صفحات اندک اندیشهٔ فوق را در قالب فرهنگ کردها در سطحی بسیار محدود به بوتیهٔ عملی‌سازی می‌نهند.

در اینجا لازم می‌دانم مراتب سپاسگزاری خویش را به محضر استاد بزرگوارم، جناب آقای دکتر مصطفی ازکیا که راهنمایی رسالهٔ حاضر را به عهده گرفتند و با راهنماییهای سازنده و دلسوزانهٔ خود بر غنای آن افزودند، تقدیم دارم. همچنین از دوست بسیار عزیزم آقای رئوف مرادی بخاطر همکاری صمیمانه‌شان سپاسگزارم. از دوستان گرامیم آقایان حاتم حسینی و غلامحسین آهنی که مرا در مراحل مختلف تهیهٔ رساله مورد عنایت و لطف خود قرار دادند تشکر می‌کنم.

ضمناً جا دارد از مسئولین و اعضای کمیسیون پژوهشی ادارهٔ کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کردستان که حسن نیت و همکاری خالصانهٔ این عزیزان موجب دلگرمی هر پژوهشگری است تشکر و قدردانی نمایم.

سلیمان پاک‌سرشت.

دانشکده علوم اجتماعی

دی ماه ۱۳۷۴

## بخش اول

### طرح مسأله

- ۱- مقدمه
- ۲- چارچوب نظری
- ۳- مروری بر نظریات و ادبیات موضوع
- ۴- ضرورت پژوهش
- ۵- تعریف موضوع پژوهش
- ۶- اهداف تحقیق



## ۱ - مقدمه

شایسته‌ترین تکاپوی جهانی که در دهه‌های اخیر با نام توسعه در قاموس حیات فکری بشر مشخص شده است، صحنه همایش نیروهای اندیشه و سرمایه بوده است.

دامنه گسترده این حرکت عظیم نماینده مطلوبیت انسانی آن و قلت پیشگامان این طریق نمایانگر ظرافت و حساسیت آن می‌باشد. این تکاپوی نوباوه در عمر قریب پنجاه ساله خود، نظر همگان را به خود معطوف کرده است. عده‌ای بازیگران صحنه‌اند و عده‌ای تماشاگرند و انگشت به دهان سرعت خارق‌العاده گروه اول را می‌نگرند. عده‌ای مشغول تقلیدند و بعضی سرگرم کند و کاوند. صفحات تاریخ این فرایند، مشحون شواهد و قراینی است که تقدم تحول نگرش‌های انسانی در مورد علم، جامعه و طبیعت را (که از آن به توسعه فرهنگی یاد می‌کنند) بر دگرگونی جامعه جهانی از جهات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نشان می‌دهند. بارزترین این قراین تقدم چند صدساله دگرگونی افکار محصور انسانی در دوره رنسانس بر تحول عظیم اقتصادی غرب در اواخر قرن ۱۸ می‌باشد. دگرگونی این نگرشها از آن جهت حائز اهمیت است که علاوه بر نمونه تاریخی مذکور، تحقیقات متعدد نیز نشان داده‌اند که چنین تحولی در جهت‌گیریهای فردی و جمعی نسبت به اموری که به حال توسعه ضروری و مفیدند، مؤثر است.

با اینکه فرایند توسعه به‌طور کامل در یک زمینه تأثیر و تأثر متقابل فرهنگی محقق می‌شود، توجه به نقش فرهنگ در توسعه، در ادبیات این مفهوم عمر چندانی ندارد. در واقع اندیشه‌های نخستین توسعه برای فرهنگ چه به صورت هدف یا وسیله، نقشی محوری نیز قایل نبودند. سرعت خیره‌کننده پیشرفت اقتصادی در اولین جهش خود مانع از این شد که اندیشمندان توسعه در بطن و زمینه یا عوامل مؤثر بر این فرایند تأمل کنند. توزیع دستاوردهای توسعه در دوره‌های اولیه با مفاهیمی چون دست پنهان<sup>۱</sup> و رخنه به پایین<sup>۲</sup> همراه شد. ولی نتایج زود هنگام این روند موجب بازگشت ناخوشایندی در صفحات تاریخ توسعه اقتصادی شد. توسعه ناهماهنگ اقتصادی-اجتماعی همگان را به این اندیشه فرو برد که جنبه‌های فراموش شده این تکامل مقدس کدامند؟

به زودی عقاید و تئوریهای فراوانی که باورها، پنداشتها و بینشها و در قالب کلی فرهنگ را پایه و یا هموار کننده توسعه می‌دانستند، ظهور کردند.

نظریه «اهمیت بافت داخلی در توسعه اقتصادی» از جمله نظریاتی است که به نقش مؤثر فرهنگ و نظام ارزشی در توسعه اشاره می‌کند. «بر طبق این نظریه، بافت داخلی ممالک از متغیرهای مستقل و مهم در رشد و به خصوص در توسعه اقتصادی محسوب می‌شود. این نظریه، این اصل را

1. Hidden hand

2. Trickle down

مطرح می‌کند که ساختار سیاسی و ساختار فرهنگی باید تقویت کننده، هموار کننده و حامی توسعه اقتصادی باشد.<sup>۱</sup>

کلیه مطالعاتی که تا کنون توسط یونسکو یا سازمانهای بین‌المللی دیگر در رابطه با فرهنگ، جامعه و اقتصاد، برای ساختن یک دنیای نو (توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه) صورت گرفته، بالاتفاق نظر داده‌اند که فرهنگ بخشی جداناپذیر از فرایند اقتصادی، اجتماعی توسعه در این کشورهاست.<sup>۲</sup>

با وجود وحدت نگرشی که نسبت به اهمیت فرهنگ فرایند توسعه بین اندیشمندان این حوزه وجود دارد؛ نحوه نگرش و توجه به جهت و میزان اثرگذاری این عامل غالباً محل مناقشه و بحث بوده است. عده‌ای با کشیدن حصارهای بین گذشته و حال و نیز بین جهان سوم و غرب، معتقدند برای دستیابی به توسعه باید فرهنگ سنتی و گذشته را به طور کامل به بوته فراموشی سپرد و با قبول تام فرهنگ مدرن غرب، محیط و فرهنگ سازگاری را ایجاد کرد. که به راهیابی تکنولوژی، فن، علم و صنعت غربی سهولت بخشید. در مقابل، عده‌ای نیز توسعه را نه ترک فرهنگ سنتی، بلکه حفظ آن می‌دانند. به عقیده این عده حفظ هویت فرهنگی به مفهوم گریز از صحنه تبادل فرهنگ جهانی نیست، بلکه بایستی در عین حال به آرمانهای نوسازی نیز متمسک شد. از سوی دیگر پویایی هر فرهنگ، حیات آن است و بدون آن محکوم به فنا خواهد بود.

نظر به اهمیت موضوع در این تحقیق برآئیم، پس از شرح چارچوبهای نظری حاکم بر این رویکردها نسبت به توسعه، به جستجوی فرهنگ و باورهای مساعد و نامساعد توسعه، در یکی از فرهنگهای جهان سوم و ایران بشینیم. هدف از این پژوهش عموماً عملی سازی آن دسته از تئوریهایی است که می‌توان آنها را نظریه‌های نسبی‌گرایانه دیدگاه شرایط لازم یا عوامل مفقوده در باب فرهنگ و باورهای فرهنگی نامید. به طور اخص هدف از آن تحلیل فرهنگ کردها در قالب آزمونی از عوامل تأثیرگذار بر روند توسعه می‌باشد.

## ۲- چهارچوب نظری

ترقی،<sup>۳</sup> تکامل<sup>۴</sup> و توسعه<sup>۵</sup> مفاهیمی هستند که به خودی خود سیر تحول اندیشه امروزی توسعه را بیان می‌کنند و هر یک بیانگر فصلی در تاریخ این اندیشه می‌باشند. اندیشه ترقی مربوط به دوران

۱. محمود سریع‌القول، «فرهنگ و توسعه و جهان سوم»، اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال سوم، شماره ۸، صص ۴۱-۴۴.

۲. غلامعباس توسلی، «جامعیت مفهوم توسعه و رابطه آن با فرهنگ»، فرهنگ توسعه، شماره ۱۵، آذر و دی ۷۳، صص ۲۳-۲۴.

بعد از رنسانس در اروپا و به ویژه عصر روشنگری است. تکامل مفهوم غالب ادبیات قرن نوزدهمی توسعه می‌باشد و خود مفهوم توسعه نیز با پایان یافتن جنگ دوم جهانی و بازسازی زودهنگام اروپا و پیدایش اندیشه انتقال از جامعه سنتی به مدرن، به افکار وارد شد.<sup>۱</sup>

ولی توجه به دینامیک جوامع، عمری به مراتب بیشتر از مفاهیم فوق دارد. در اینجا لازم است حداقل برای اثبات وفاداری به کنت و روش کنتی، اندکی عقب‌تر برگشته و به اندیشه‌های نخستین در باب گذار جوامع، هر چند به اختصار نگاهی بیندازیم. قانونمندی و تحول دنیای فیزیکی، همانطوری که پایه‌های سیستماتیک مفهوم جامعه را در اندیشه پیشگامان جامعه‌شناسی نهاد، موجب ظهور اندیشه‌هایی در باب گذار جوامع نیز شد. توماس هابز<sup>۲</sup> (1588-1679) را به یقین می‌توان اولین متفکری دانست که در جهت شناخت مسیر حرکت جوامع به کندوکاو پرداخته است. او جامعه را محصول رابطه‌ای قراردادی بین انسانها برای تضمین صلح می‌پنداشت؛ به عقیده او بشر اولیه از وضعیتی حیوان‌گونه و احساسی از تعلق، به سوی فردگرایی حرکت کرده است و پس از پشت‌سر گذاشتن آن به وضعیتی استوارتر یعنی جامعه‌ای می‌رسد که به طور عقلانی سازمان داده شده است و مایه حرکت انسان در طی این گذار تنها «حرص قدرت» بوده است. بعد از او جیامباتیستا ویکو<sup>۳</sup> (1668-1744) با بیانی تاریخی و با روش زیباشناختی، تجربه فکری هابز را در اندیشه گذار مستحکمتر کرد. به عقیده او انسانهای وحشی در نهایت با پی بردن به نشانه‌های غضب الهی در طبیعت، برای خود پناهگاههایی را برگزیدند و نخستین خانواده‌ها را تشکیل دادند تا به آن جنایات هولناک خاتمه داده شود. دین و ازدواج، تدفین مردگان، همگی نشانه طلوع تمدن یا سازمان اجتماعی هستند. نتیجه اینکه رسم و آیین، نظامی مقدس را جانشین هرج و مرج اولیه کرده است. فردیناند تونیس<sup>۴</sup> (1855-1936) تحت تأثیر هابز و ویکو در جامعه‌شناسی محض خود به مفاهیم گزل شافت<sup>۵</sup> بر پایه مبادله و گمین شافت<sup>۶</sup> بر اساس تعلق، تکیه می‌کند و کلیت واقعیت اجتماعی را در نوسان بین این دو قطب متضاد تصور می‌کند.<sup>۷</sup>

جامعه‌شناسان اروپایی هر یک به طریقی به اهمیت اندیشه گذار اشاره کرده‌اند.

کنت، اسپنسر، دورکیم، ماکس ویر و به ویژه مارکس قسمتی از آراء و آثار خود را به این موضوع اختصاص داده‌اند. ولی مفهوم توسعه، همانطوری که گفته شد، در تفکر جامعه‌شناسی به معنای اخص آن، با اینکه تداوم اندیشه اسلاف جامعه‌شناسی در باب تحول جوامع می‌باشد، بعد از

۱. لوتیس، بنک «دگرگونی در مفاهیم و هدفهای توسعه»، نامه فرهنگ، ترجمه ح. قاضیان، سال دوم، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۰

2. F.Hobbes 3. G.Vico 4. F.Toennies 5. Gesell schaft

6. Gemein schaft

۷. گروه مؤلفین «آینده بنیانگذاران جامعه‌شناسی» ترجمه دکتر غلامعباس توسلی، نشر قوس، ۱۳۷۳، تهران، صص ۴۴-۲۱

اتمام جنگ جهانی دوم و ملموس تر شدن فواصل دو قطب ایدئولوژیک جهانی و بویژه از دهه ۱۹۵۰ به بعد در محافل آکادمیک، به طور جدی مطرح شد. حرکت نابرابر جامعه جهانی و مسایل خاص کشورهای موسوم به «جهان سوم»<sup>۱</sup> از جمله عواملی بود که مزید بر تفکرات پیشین، عده‌ای از صاحب نظران علوم اجتماعی را به اندیشه توسعه و توسعه نیافتگی در جهان معاصر فرو برد. اندیشمندانی که به تبیین فرایند توسعه اهتمام ورزیده‌اند را به طور کلی می‌توان در دو مکتب عمده گرد هم آورد.

۱- مکتب نوسازی<sup>۲</sup> یا مدرنیزاسیون که با آثار و اندیشه‌های افرادی چون، ردفیلد،<sup>۳</sup> روستو،<sup>۴</sup> اسملسر،<sup>۵</sup> هوزلیتز،<sup>۶</sup> ایزنشتاد،<sup>۷</sup> و... با تکیه بر دیدگاه تکامل‌گرایی، پای گرفت. پدیده متنوع شدن و متمایز شدن نقشها، تعریفی بود که غالب پیروان این نحله از فرایند توسعه جوامع ارائه می‌کردند. صاحبان این مکتب با تکیه بر عوامل درونی وساخت و ویژگیهای اقتصادی واجتماعی، فرهنگی به عنوان علل توسعه نیافتگی، برای پر کردن فاصله بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، که روزبه روز بر عمق و گستره آن افزوده می شد به استراتژیستهای کشورهای جهان سوم همان طریقی را پیشنهاد می‌کردند که گمان می‌رفت کشورهای پیشرفته روزی از آن عبور کرده‌اند. این مکتب با پیشینه‌ای از عقاید اقتصادی، قسمتی از ادبیات توسعه را در قرن حاضر به خود اختصاص داده‌است. نکات اصلی این نظریه را به طور خلاصه می‌توان چنین بیان کرد:

«- دنیوی کردن نظام ارزشی از طریق تزریق فرهنگ سیاسی-اجتماعی و عقلانی در آن خودداری عملی از روی آوردن به القائات و اقدامات ایدئولوژیک.

- نو سازی جامعه از طریق:

- ۱- تنزل ارزش گذشته، فی‌المثل تقلیل ارزش سنتهای تاریخی.
- ۲- اقتباس الگوهای رفتاری جدید (غربی) منجمله از طریق آموزش، که لامحاله نقش یک اهرم را در انتقال ارزشها از غرب به کشورهای در حال توسعه ایفا خواهد کرد.
- ۳- شهری شدن به منزله خط سیر جهانی به سوی نوسازی.
- ۴- پذیرفتن «گرایشهای جهان وطنی» به مدد صنایع فرهنگی یعنی مطبوعات، تلویزیون و سایر رسانه‌ها.

- رشد اقتصادی از طریق ترویج صنعتی شدن با نادیده گرفتن نسبی کشاورزی به عنوان یک بخش شدیداً سنتی.

1. Third world      2. Modernization      3. R.Redfiled      4. Rostow  
5. N.Smlerer      6. B.F.Hoselitz      7. S.N.Eisenstadt

- در سطح سیاسی، انتخاب الگوی ملت‌سازی و در نظر گرفتن دولت به عنوان نخستین محرک توسعه.

- مقدم داشتن نخبگان شهری و به همان میزان سرسری گذاشتن از مازاد تولید توده‌های روستایی.<sup>۱</sup>

۲- دومین، با این پیش فرض متدولژیک مبنی بر اینکه، مطالعه توسعه جوامع جهان سوم بدون توجه به ارتباط آنها با جوامع پیشرفته امکان‌پذیر نیست، شروع می‌شود. این مکتب که آن را تحت عنوان مکتب وابستگی<sup>۲</sup> می‌شناسیم، با رد هر گونه ریشه داخلی توسعه نیافتگی، پیوند ناگسستنی جوامع مرکز-پیرامون<sup>۳</sup> را در طول تاریخ که منجر به سیلان سرمایه‌ها و مازاد بالقوه اقتصادی کشورهای اقمار به سوی بازارهای کشورهای متروپل شده است، عامل خارجی توسعه نیافتگی کشورهای جهان سوم تلقی می‌کند و در این مکتب به نظام سیاسی جهانی و اقتصاد امپریالیستی به عنوان عوامل اصلی تداوم توسعه نیافتگی، اهمیت فراوانی داده می‌شود. ریشه‌های این تفکر را در آثار اقتصاددانان مکتب اکلا<sup>۴</sup> (ECLA) می‌توان یافت. عمده‌ترین نظریه‌پردازان این مکتب، آندره گوندر فرانک<sup>۵</sup>، پربیش<sup>۶</sup>، میردال<sup>۷</sup>، باران<sup>۸</sup>، والرشتاین<sup>۹</sup> و... می‌باشند.

در میان اثبوه نظریات و دیدگاه‌های علاقه‌مند به تبیین روند توسعه نیافتگی کشورهای جهان سوم و عدم برابری روند توسعه جهانی، نظریه‌های مربوط به شرایط لازم یا عوامل مفقوده، جایگاه خاصی دارند. و به دلیل تأکیدی که این نظریه‌ها بر عوامل درونی توسعه نیافتگی می‌کنند، آنها را غالباً در اردوگاه نظری مدرنیزاسیون قرار می‌دهند. این دسته از نظریه‌پردازان با توجه به عوامل مفقوده در اقتصاد، سیاست، فرهنگ، توسعه کشورهای جهان سوم را تنها در سایه برطرف شدن و یافتن این‌گونه عوامل می‌دانند. در این دیدگاه، عدم وجود سرمایه‌گذاری و کمک‌های خارجی، فقدان روحیه کارفرمایی، مصلحان و پیشوایان انقلابی از جمله عواملی هستند که فقدان آنها در کشورهای عقب‌مانده، موجب عدم دستیابی آنها به رشد اقتصادی، اجتماعی شده است.<sup>۱۰</sup>

«گروهی از محققان نیز به عوامل فرهنگی در پیشرفت اقتصادی اشاره کرده‌اند که بعضی از آنها را در اینجا یاد می‌کنیم:

- وجود معتقداتی که به زندگی ناسوتی و موفقیت در حیات مادی اهمیت می‌دهد.

۱. لوئیس بئک، همان منبع.

2. Dependency      3. Center-periphery      4. Economic Commission of Latin America  
5. A.G.Frank      6. R.Perbisch      7. Mirdall      8. P.Baran      9. A.Wallerstein

۱۰. مصطفی ازکیا، «جامعه‌شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی ایران» صص ۴۹-۵۰

- وجود معتقداتی که برای کار و کوشش ارزش قایل باشند و به جای فلسفه جبر از نظریه اختیار پیروی کنند و فرد را در تعیین سرنوشت خویش و بهبود وضع خود مؤثر بدانند.  
- وجود عقایدی که اسراف و اتلاف را به هر شکل مردود بدانند و موافق اندوخته کردن و کاربرد سرمایه در امور تولیدی باشد.

- وجود عقایدی که تحصیل علم و کسب و فن را قدر شناسد و نیاز و شوق دانایی و کاردانیها را در دلها بیدار کند.

- وجود عناصری در فرهنگ قومی و نیز در بافت کلی جامعه که امید و انگیزه بهتر شدن و خوشتر زیستن و ارتقاء یافتن را در درون افراد پرورش دهد.

- وجود نظر مساعد درباره مشاغل جدید تولیدی چون تجارت، حرفه و صنعت و ارزش گذاری

خاص آن مشاغل در برابر مشاغل کهنه‌ای که اثرات تولیدی کمتری بر آنها مترتب است.<sup>۱</sup>  
نقدهای متعددی که از جهات گوناگون به این دو دیدگاه عمده نظری وارد شده است، زمینه را برای ترکیب و تنظیم اندیشه استواری که در دهه‌های اخیر بیشترین اعتبار تجربی و کارایی را نشان داده، فراهم کرده است. لازم است تعمیم علل رشد و توسعه نیافتگی و وضع قوانین کلی و عام، جای خود را به تحقیق و تفحص در احوال و شرایط خاص اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و تاریخی هر جامعه بدهد و برای تبیین و توضیح روند توسعه با استفاده از یک روش ترکیبی، «مجموعه به هم پیوسته عواملی (اعم از بیرونی و درونی) که در طی تاریخ یک جامعه خاص، مشخصات اجتماعی، فرهنگی، روانی آن را پدید آورده و به توسعه و یا توسعه نیافتگی منتهی شده است، مورد مطالعه قرار داد.»<sup>۲</sup>

### ۳- مروری بر نظریات و ادبیات موضوع

بعد از تشخیص و تبیین جایگاه مطالعات از این نوع، در مکاتب جامعه شناسی توسعه اکنون به پاره‌ای از نظریات و نیز ادبیات گذشته این موضوع می‌پردازیم.

ماکس وبر<sup>۳</sup>

تبیین تحولات جامعه بر پایه اصول عقاید و زیرساخت بینشهای افراد یک جامعه با مطالعات ماکس وبر جامعه‌شناس شهیر آلمانی آغاز شد. وبر موفق شد در تشریح ظهور نظام سرمایه‌داری و روند آن

۱. همان منبع صص ۵۱، ۵۰

۲. همان منبع ص ۶۵.

روحیه فعالیت اقتصادی خاصی را که تنها در مذهب پروتستان و به ویژه در عقاید پیروان کالونیسم به ظهور رسید، کشف کند. وی این روحیه را نوعی رفتار اقتصادی خاص می‌داند که با کوشش فزاینده‌ای جهت کسب منافع هر چه بیشتر مشخص می‌گردد که خود مرهون استفاده عقلایی و حساب شده و منطقی از وسایل تولید (منابع، سرمایه، تکنیک) سازمان کار و شرایط بازار یا مبادله است. بر این اساس، روحیه سرمایه‌داری نه تازه است و نه مربوط به قرون جدید. نیاز به موفقیت از جمله ریشه‌های این روحیه بود که در پیروان مذهب پروتستان که می‌خواستند در زمره برگزیدگان ناشناخته خداوندی باشند وجود داشت که بین جهت‌گیری آنها و پیروان سایر مذاهب نسبت به جامعه، ثروت مادی و به تبع آن پیشرفت و توسعه اقتصادی، تفاوت ایجاد می‌کرد و نهایتاً منجر به پیدایش نظام سرمایه‌داری و توسعه اقتصادی چشمگیر آن شد. زهد اخلاقی در بینش کالونیستی سه اصل اساسی دارد:

۱- کار در چنین بینشی وجه خاصی دارد. «وبر معتقد است که از نظر یک کالونیست حرفه وضعیتی نیست که فرد در آن دنیا می‌آید بلکه فعالیت حساب شده و مناسبی است که برای خود برمی‌گزیند و با احساس مسئولیت شرعی آن را دنبال می‌کند. فعالیت اقتصادی که زمانی خطری برای روح تلقی می‌شد، پس از تعمیم در آبهای شفادهنده ولی یخزده الهیات کالونیستی، قداستی نو پیدا می‌کند. کار فقط یک وسیله اقتصادی امرار معاش نیست. از آنجا که تهیدستی، اخلاق را زایل می‌کند فرد موظف است حرفه پردرآمدی برای خود برگزیند میان تقوی و ثروت‌جویی نه تنها تضادی وجود ندارد بلکه، آن دو متحد یکدیگرند. زیرا فضایی از قبیل پشتکار، امساک، هوشیاری و دوراندیشی که یک فرد برمی‌گزیند و تحصیل آنها را واجب می‌داند قابل اعتمادترین جواز برای ورود به مرحله رفاه اقتصادی است. بدین ترتیب ثروت‌جویی که زمانی دشمن دین محسوب می‌شد اکنون به عنوان متحد دین پذیرفته می‌شود»<sup>۱</sup>

۲- فرد مؤمن در این مذهب با زندگی سخت و طاقت‌فرسا و بدون رفاه مادی مشخص می‌شود. چنانچه در نتیجه کار، فرد ثروتی نیز به دست آورد، آن را برای خریدن رستگاری صرف کند و این جز از طریق صرف ثروت مادی در فعالیتهای تولیدی جدید، امکان‌پذیر نیست.

۳- اصل دیگر در این بینش، اهمیت علم تجربی برای درک آثار پروردگار است. پی بردن به بزرگی و فرزاندگی خداوند تنها از طریق مشاهده آثار او در طبیعت امکان‌پذیر است و این جز به مدد علم تجربی صورت نمی‌گیرد.<sup>۲</sup>

وبر معتقد است چنین رویکردی نسبت به جامعه و خداوند موجب عقلایی شدن اقتصاد و در

۱. ماکس وبر، «اخلاق پروتستانی و روحیه سرمایه‌داری»، ترجمه عبدالمعود انصاری، انتشارات سمت تهران، ۱۳۷۱، صص ۱۹-۱۸.

۲. گی روشه، «تغییرات اجتماعی»، ترجمه دکتر منصور وثوقی، انتشارات نی، چاپ سوم، تهران، صص ۸۸-۸۷.

نهایت انباشت اولیه سرمایه شد، که اولین پیشنهاد حرکت سرمایه‌داری بود. این امر با همراهی سایر شرایط فرهنگی و سیاسی موجب ظهور نظام سرمایه‌داری شد.

### دیوید سی مک کله‌لند<sup>۱</sup>

دیوید مک کله‌لند، روانشناس معاصر آمریکایی را به حق می‌توان پرچمدار این دسته از نظریه‌پردازان به حساب آورد. وی در کتاب بسیار با اهمیت خود بنام جامعه رو به رشد<sup>۲</sup> از نوعی ویروس ذهنی سخن راند، که به عقیده او بین وجود این ویروس و دوره‌های پیشرفت در جوامع، رابطه تنگاتنگی وجود دارد. این ویروس ذهنی همان انگیزه موفقیت یا پیشرفت بود که با علامت اختصاری (n,ach) که مخفف (Need for achievement) می‌باشد، در کتاب او مشخص شده است. «این ویروس ذهنی در ذهن شخص نمودار اندیشه‌هایی است، که سروکار آنها با خوب انجام دادن کاری است و یا با انجام دادن کاری به نحو بهتر از پیش؛ یعنی کاراتر، سریعتر و با زحمت کمتر و نتیجه بهتر.»<sup>۳</sup>

«نیاز به پیشرفت از لحاظ روانشناسی دارای دو جنبه است یکی از آنها فضیلتی است شخصی و دیگری فضیلتی است اجتماعی، که همان علاقه به سعادت دیگران است و انگیزه این علاقه ناشی از میل به برتر دیدن خود و نیز احساس مسئولیت برای رستگاری بشریت است.»<sup>۴</sup>

مک کله‌لند این انگیزه را جنبه‌ای از شخصیت و در زمره انگیزه‌های روانی انسان تلقی کرده، برای اندازه‌گیری آن از روشهای خاص استفاده می‌کند. بدین منظور وی تست پروژکسیون (فرافکنی) متعلق به هانری مورای<sup>۵</sup> را مورد استفاده قرار داد. به افراد تصاویری نشان داده می‌شد که این تصاویر غالباً تنوعی از جهت‌گیریهای زندگی را که عمدتاً بر کار و تلاش متمرکز بود منعکس می‌کردند و از افراد خواسته می‌شد که در ارتباط با آن تصاویر داستانهایی بسازند. داستانهایی با یک بیان غیر تکنیکی نمونه‌های کوتاهی از اشیاء و چیزهایی را ارائه می‌دادند که افراد وقتی در یک وضعیت با انگیزه بالایی برای موفقیت هستند، به آنها فکر می‌کنند، یا آنها را مجسم می‌کنند. و بدین ترتیب افراد نیازها و انگیزه‌های ناخودآگاهانه خود را در داستانهایی تخیلی خود منعکس می‌کردند.

از طرف دیگر وی با تکیه بر آثار ادبی، قصه‌ها، افسانه‌ها، و ادبیات عامیانه جوامع مختلف، میزان انگیزه پیشرفت را که نویسندگان به‌طور ناخودآگاه در خلال بیان خود نشان می‌دهند، را با استفاده از آزمون تی، ای، تی، اندازه گرفت. در مرحله بعد وی برای تعیین سطح پیشرفت اقتصادی از میزان تولید سرانه برق به کیلووات ساعت و نیز سیستم درآمد واقعی ملی کلارک استفاده کرد. در

1. D.C.Mc clelland. 2. Achieving Society

۳. مایرون وینر، «نوسازی جامعه»، ترجمه رحمت‌الله مراغه‌ای، تهران، ۱۳۵۰، ص ۲۴.

۴. مصطفی ازکیا، همان منبع، ص ۵۲

5. H.murry



نهایت مک کله‌لند موفق شد همبستگی مثبت شدیدی را بین نمرات N.A و سطح پیشرفت اقتصادی اثبات کند. او نتایج کلی تحقیقات خود را در زمینه انگیزه پیشرفت چنین خلاصه می‌کند:

۱- نیاز به موفقیت از فردی به فرد دیگر متفاوت است، جوامع نیز از این لحاظ متفاوتند، کشورها و گروهها، مذاهب، گروههای قومی، طبقات اجتماعی، دوره‌های تاریخی، هر کدام درجات متفاوتی از انگیزه موفقیت را دارا هستند.

۲- تحلیل توسعه اقتصادی مربوط به تعدادی از کشورهای صنعتی بین سالهای ۱۹۲۵ و ۱۹۵۰ میلادی نشان می‌دهد، که کشورهایی که در سال ۱۹۲۵ انگیزه موفقیت در آنها قویتر بود (البته به کمک کتابهای درسی) پیشرفت و توسعه اقتصادی آنها سریعتر از دیگران صورت گرفته است.

۳- معالجه در مورد چهل و پنج جامعه باستانی نشان می‌دهد که جوامعی که انگیزه موفقیت در آنها بیشتر بوده است، دارای فعالیت اقتصادی گسترده‌ای بوده‌اند.

۴- تحلیلهایی که در مورد بعضی از مراحل تاریخی خاص صورت گرفته است، نشان می‌دهد که درجه بالایی از انگیزه موفقیت بلافاصله دوره‌ای از توسعه اقتصادی را بوجود آورده است.

۵- اگر انگیزه موفقیت را به مثابه عاملی از توسعه اقتصادی تلقی کنیم، می‌توان آنرا عنصر اساسی روحیه فعالیت اقتصادی و یا دقیقتر بگوییم، عنصر اساسی طرز تفکر مدیران نوآور اقتصادی، هم در ساخت سوسیالیستی و کمونیستی و هم در ساخت کاپیتالیستی محسوب داشت<sup>۱</sup>

مک کله‌لند سپس عواملی را که در افزایش این انگیزه می‌توانند مؤثر باشند نام می‌برد. آموزش در خانواده، طبقه اجتماعی والدین، تحرک اجتماعی، فضای ایدئولوژیک<sup>۲</sup>

وی در مورد میزان اهمیت این انگیزه در توسعه اقتصادی می‌نویسد: «N.A را نمی‌توان تنها عامل لازم برای نوسازی تلقی نمود، بلکه باید آنرا یکی از عوامل کلیدی به‌شمار آورد. N.A به خودی خود یک فضیلت فردی است و نمی‌تواند به طور خودکار شخص را به سوی فعالیتها و برنامه‌هایی که از نظر اجتماعی ثمربخش است، هدایت کند. بلکه اگر وجدانی در کار نباشد، شخص را به موفقیت در جنایت سوق می‌دهد.»<sup>۳</sup>

همچنین وی در ابتدای فصل پنجم کتاب «جامعه رو به رشد» می‌نویسد «یقیناً غیر ممکن است که یک پدیده اجتماعی پیچیده‌ای نظیر رشد اقتصادی، تنها نتیجه یک محرک اساسی باشد، و اگر بیان اهمیت انگیزه پیشرفت به چنین تصویری منجر شده است باید آن را تصحیح کرد.»<sup>۴</sup>

او علاوه بر این انگیزه به دو نیاز روانی دیگر نیز اشاره می‌کند.

۱. گی‌روشه، همان منبع، ص ۱۸۹

۲. همان منبع، ص ۱۹۲

۳. مایرون وینر، همان منبع، ص ۲۹

۱- انگیزه پیوندجویی یا همبستگی<sup>۱</sup> که آن را اینگونه تعریف می‌کند: «پیوندجویی عبارت است از مرز تمایل فرد و تلاشش برای برقراری، بازسازی، حفظ رابطه عاطفی و دوستانه با دیگران. «دوستی» برای توصیف این رابطه، کلمه بسیار دقیق و مناسبی است. و آنرا می‌توان از طریق بیانات فرد در مورد روابطش با دیگران مانند نیاز به دوست داشته شدن یا دوست داشتن یا مورد قبول واقع شدن و ... دریافت.»<sup>۲</sup> او بین این نیاز و میزان موالید رابطه جالبی پیدا می‌کند.

۲- نیاز به قدرت یا انگیزه قدرت<sup>۳</sup> که آنرا «گرایش به کنترل ابزارها و وسایلی می‌داند، که می‌توان با آنها دیگران را تحت نفوذ قرار داد. مثلاً نیاز به فرمان دادن و تنبیه کردن، تحمیل اراده خود بر زیردستان.»<sup>۴</sup>

مک کله‌لند با ترکیب این دو نیاز و تحلیل آنها متوجه شد که بین نیاز به قدرت بالا و نیاز به پیوندجویی یا پیوستگی پایین و وجود حکومت‌های توتالیتر در یک جامعه ارتباط وجود دارد. و بدین ترتیب حتی توانست بین نیازهای روانی و ساختهای سیاسی رابطه برقرار کند.

#### اورت هیگن<sup>۵</sup>

هیگن با تأکید بر فرایند اجتماعی شدن و محیط اجتماعی پرورش اجتماعی عوامل پذیرش یا عدم پذیرش پدیده‌های مؤثر در توسعه چون نوآوری را بیان می‌کند. به عقیده او جوامع مدرن محصول چیزی هستند که او آن را شخصیت نوآور<sup>۶</sup> می‌نامد و مشخصه آن خلاقیت، کنجکاوی و روحیه باز می‌باشد. چنین فردی با دگرگون شدن وجهه نظرهاش، دیگر راه‌حلهای قبلی را نمی‌پذیرد و چون دنیا را با نظم منطقی و قابل درک و تبیین می‌نگرد، معتقد است که نظم امور را می‌توان ارزیابی و مشکلات را حل کرد. البته ظهور چنین شخصیتی به عقیده هیگن فرایند خاصی را طی می‌کند تا به چنین مرحله‌ای برسد. در واقع این شخصیت نتیجه ترک منزلتهای افتخارآمیز است. وقتی اعضای یک گروه اجتماعی متوجه شوند که اهداف و ارزشهای آنان مورد احترام و توجه سایر گروههای اجتماعی نیست، در جهت بازگرداندن موقعیت قبلی، به اعمال و افکاری نوآورانه متوسل می‌شوند. هیگن حرکت فرد را از سنت و اقتدارگرایی به سوی شخصیت خلاق و نوآور به توسط پنج قانون توضیح می‌دهد:

«۱- قانون انقیاد گروهی که نیروی محرکه دگرگونی را در گروهی می‌بیند که خود را در زیر سلطه می‌داند.

۲- قانون رد کردن ارزشها که می‌گویند گروه زیر سلطه ارزشهای کسانی را که بر او مسلط‌اند

1. N.affiliation 2. Ibid, p160 3. N.Power 4. Ibid, p167

5. E.hagen 6. Innovotive personality

رد می‌کند.

۳- قانون انسداد اجتماعی که تبصره‌ای بر اصل بالاست و حاکی از این است که گروه زیر سلطه، تنها زمانی ارزشهای مسلط را رد می‌کند و دست به رفتار غیر معمول می‌زند که مجراهای سنتی ترقی مسدود شده باشد.

۴- قانون حمایت گروهی که بر اساس آن افرادی که رفتار تازه نشان می‌دهند، حمایت اجتماعی گروه زیر سلطه را جلب می‌کنند.

۵- قانون رهبری غیر بیگانه که تصریح می‌کند، تا زمانی که مردم گروه منشعب را که آغازکننده رشد اقتصادی است، نپذیرند و به دنبال آن نروند، رشد اقتصادی در کل جامعه به وقوع نخواهد پیوست.<sup>۱</sup>

البته بی‌اعتنایی به ارزشها و اهداف یک گروه اجتماعی که هیگن از آن به عنوان سلب حرمت نام می‌برد، بلافاصله به رفتار خلاق نمی‌انجامد. سلب حرمت موجب عزلت‌گزینی فزاینده والدین اقتدارگرا می‌شود. در طی چند نسل نهایتاً شخصیت خلاق پدیدار می‌شود و تغییرات در شخصیت‌های والدین در طی چند نسل نیروی محرکه گذار از عزلت‌گزینی به تولید شخصیت‌های خلاق است. پدر در خانواده عزلت‌گزین شخصیت «گذاری» دارد و شخصیت او در دو بعد انتظارات از موقعیت خود و انتظارات از رفتار فرزندان، تغییر می‌کند. پدر ممکن است سختگیر یا ضعیف باشد. یا توقع موفقیت شدید و یا تنها انتظار تبعیت از سنتها را داشته باشد. ترکیبهای مختلف این ابعاد منجر به تعدادی از سنخهای متفاوت شخصیت گذاری می‌شود و بدین‌سان در طول چندین نسل سلب حرمت به عزلت‌گزینی و نهایتاً به تغییر شخصیت می‌انجامد. اینکه این شخص چه وقت رفتارش را به سوی فعالیت‌های اقتصادی و تکنولوژیک خلاق سوق می‌دهد، بستگی به ارزشهای فرد خلاق دارد، و نیز بستگی به مقبولیت اجتماعی دارد که بالقوه ممکن است از طریق نوآوری اقتصادی حاصل شود.

پاره‌ای از ارزشها از جمله شایستگی مبتنی بر دستاوردهای فردی، قبول و تأیید کسب و کار و قبول و تأیید کاریدی، برای نوآوران فنی و اقتصادی دارای اهمیت است.<sup>۲</sup>

می‌توان مکانیسم پیدایش شخصیت‌های خلاق را چنین تصویر کرد.

ظهور شخصیت خلاق → عزلت‌گزینی → ترک منزلتها → استبدادگرایی

هیگن توضیح نظریه خود را با مطالعات موردی خود در ژاپن، برمه، کلمبیا و نیز سیاهپوستان

امریکا همراه می‌کند.

۱. رابرت اچ‌لاوره دیدگاههایی درباره دگرگونی اجتماعی، ترجمه کاووس سیدامامی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۳، ص ۸۲

۲. همان منبع صص ۸۳-۸۲

الکس اینکلس<sup>۱</sup>

اینکلس معتقد به شیوه‌های نوین اندیشه می‌باشد که از ویژگیهای برجسته افراد در جوامع پیشرفته می‌باشد. به عقیده او این ویژگیها از بسیاری جهات در کشورهای مختلف توسعه یافته دارای نقطه اشتراک هستند. او برای آزمون فرضیه خود با همکاری دیوید اسمیت برای تعریف و تعیین محتوا و مندرجات تجدد فردی، به بررسی شاخصهای روانی در یک جامعه صنعتی-شهری پرداخت. آنها برای اندازه‌گیری تجدد در حوزه‌های مختلف زندگی، از لیست مربوط به شاخصهای روانی مدرن خود، مجموعه‌ای از مقیاسها را بعد از پیش‌آزمون گسترده‌ای تعیین کرده و آن را مقیاس تجدد فراگیر یا همه‌جانبه<sup>۲</sup> نامیدند. آنها این مقیاس را در شش کشور آرژانتین، شیلی، بنگلادش، هند و اسرائیل و نیجریه به اجرا درآوردند و فرد مدرن را بر اساس نشانگان تجدد در این جوامع تعیین کردند. این نشانگان روانی توسط اینکلس چنین خلاصه شده‌اند:

۱- آمادگی برای تجارب جدید و پذیرش نوآوری

۲- تأکید بر استقلال فزاینده از اقتدار شخصیت‌هایی سنتی

۳- اعتقاد به کارآیی علم و ترک کلی انفعال‌پذیری و تقدیرگرایی

۴- تمایل و گرایش به سمت حال و آینده به جای گذشته

۵- داشتن آرزوی نیل به پیشرفت در سطح فردی و خانوادگی

۶- وقت‌شناسی و برنامه‌ریزی دقیق جهت پیشرفت امور

۷- علاقه و مشارکت فعال در موضوعات مدنی و جمعی و سیاست محلی<sup>۳</sup>

آنها بعد از اطمینان از درستی و صحت سنجش و اندازه‌گیری، ویژگیهای مقیاس تجدد همه جانبه و فراگیریشان و پیش‌آیندهای تجدد روانی را مورد بررسی قرار دادند و عموماً بر تغییرات ساختاری و فرایندهای مؤثر در نوسازی اجتماعی متمرکز شدند. به طور کلی آنها کشف کردند که بسته به نوع کشور میان ۳۲ تا ۶۲ درصد (با میانگین ۴۷ درصد برای شش کشور) از واریانس نمرات تجدد توسط یک مجموعه ده متغیری از سابقه اجتماعی که پیوند و ارتباط نزدیکی با توسعه اجتماعی یا اقتصادی دارد، تعیین می‌شود.<sup>۴</sup>

در میان نیروهای موجد ارزشها و وجهه نظرهای نو آموزش از اهمیت خاصی برخوردار است و تمام تحقیقات علمی جدی نشان داده که میزان تجدد فرد به نسبت مقدار آموزش او بیشتر می‌شود، البته سطح پایین تدریس چنین تأثیری ندارد. به علاوه میزان سنت‌گرایی مدرسه در نوسازی مؤثر است. آموزش امور مذهبی و یا حفظ و تلقین دانشهای قدیمی موجب گرایش به تجدد نخواهند

1. A. Inkeles

2. The Scale overall modernity

۳. رحمت‌الله صدیق، جزوه جامعه‌شناسی صنعتی، دانشکده علوم اجتماعی

۴. علی بنوعزیزی، «جایگاه سنت و تجدد در مطالعه توسعه»، ترجمه محمد عابدی اردکانی، فرهنگ توسعه، شماره ۱۸، صص ۱۷-۱۲